



حمایت از مقاومت کوبانی وظیفه مبرم تمام نیروهای انقلابی و انقلاب مترقی در سراسر

جهان است!

کوبانی، بهمان

در حالیکه جهان اینهمه توحش و این درجه از قساوت داعشی ها را به تماشا نشسته است، وقت برای کوبانی مقاوم به تنگنا رسیده است و از جان گذشتگی های بیدریغ و فداکاری زنان و مردان کرد کوبانی در مقابل سلاحهای سنگین جنایتکاران کوتاه آمده است. "نوشین شفاهی" ادامه در صفحه ۶

با کاهش ۱۵ درصدی قیمت نفت و کسری بودجه

فشار اقتصادی و تشدید سرکوب در انتظار کارگران

یدی شیشوانی صفحه ۳

حضور داعش در منطقه ، مصاحبه تلویزیون دریچه با سالار حسامی از

اعضای سازمان اتحاد فدائیان کمونیست صفحه ۳

اعداد ۸۵۲ نفر در یک سال ،

گسترش فضای رعب و وحشت از

سوی رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۴

دیدگاه

فمنیزم، ناسیونالیزم و جنبش

مسلحانه زنان کوبانی"

شراره رضایی

صفحه ۷

اطلاعیه های سازمان :

کوبانی همچنان مقاومت میکند صفحه ۸

بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۴-۹۳ صفحه ۹

فراخوان اعتراض به اسید پاشی به زنان در اصفهان صفحه ۱۰

گرامی باد یاد و خاطره جانبازگان شهریور ۶۷ صفحه ۱۱

کارگران ساختمانی محروم ترین بخش طبقه کارگر

همه ما با کارگران ساختمانی آشنا هستیم ، کودکی که صبح زود توسط والدین اش راهی کودکستان میشود، دانش آموزی که باکوله ای از دفتر و کتاب در راه مدرسه گام برمیدارد ، دانشجو ، بیکار ، بازنشسته خلاصه کلام کمتر انسانی است که پا به بیرون از خانه بگذارد و این کارگران زحمتکش را نبیند که چگونه از کله صحر تا غروب آفتاب در بدترین شرایط کاری وبدون حداقل ایمنی و بهداشت محیط کار عرق ریزان مشغول کارنباشند. کاملاً قابل مشاهده است این کارگران حتی فاقد کمترین ابزار ، لباس و امکانات لازم برای حفاظت خود از خطرات جانی در چنین مشاغل سختی هستند.

هنوز بیش از هشتاد درصد کارگران ساختمانی با ابزار عهد عتیق ، بیل و کلنگ کار میکنند با وسائلی همچون زنبه، دبه، مصالح ساختمانی را به بالای ساختمان حمل میکنند، نه از کلاه ایمنی خبری است و نه از لباس و دستکش و وسایل ایمنی دیگر ، اغلب آنها شبها را در همان ساختمانهای نیمه ساز به صبح میرسانند. روزی نیست که کارگری از داربست های غیراستاندارد و یا از پله ها سقوط نکند. ماهی ده ها کارگر ساختمانی در نتیجه عدم برخورداری محیط کار از وسائل ایمنی، جان خود را از دست میدهند.

خ- عمو اوغلی

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی . برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

کارگران ساختمانی محروم ترین بخش طبقه کارگر

بنا به گفته معاون روابط کاروزارت تعاون 70 درصد حوادث کار مربوط به بخش کارگران ساختمانی است. بخش زیادی از این کارگرها از مهاجرین و پناهندگان افغانی هستند و یا از شهرستانها و روستاهای دوردست برای یافتن قوت لایموتی عازم شهرها شده اند. البته وضعیت کارگران ساختمانی در بخشها و روستاها نیز بهتر از این نیست. آنها در صورت یافتن کار اغلب بخشی از سال را بیکارند. دستمزد اندک و کارفصلی به هیچ وجه کفاف نان بخور و نمیر آنها را هم نمیدهد از این رو فشار اقتصادی بر روی خانواده تاثیرات مخربی برجای میگذارد. درحالیکه چنین وضعیت اقتصادی مشقت باری خانواده کارگری را در چنگال بی رحم خود درهم میفشرد موقعیت مناسبی برای صاحبان سرمایه بوجود میآورد تا با انتقال بخشی از کار به درون خانه ها بادستمزد ارزان اهالی خانه را از زن و کودک به بردگی بکشند. بدین ترتیب کودکان به جای مدرسه به بافتن قالی، کلیم، رنگرزی، بافندگی و سایر کارهای طاقت فرسا در خانه با دستمزدی اندک و بدون برخورداری از بیمه های اجتماعی و حقوق بازنشستگی و غیره رانده میشوند تاباشیره جان خود برای سرمایه داران ارزش اضافی تولید کنند. تازه این موقعی است که خانواده از شانس تبدیل شدن به بردگی کارمزدی در خانه را دارد و گرنه برای آنها نیز سرنوشت هزاران کودک کار خیابانی در انتظار است.

کارگران در اعتراض به وضعیت وخامت بار خود بارها دست به اعتراض زده اند از جمله خواهان بیمه های اجتماعی و تامین

ایمنی محیط کار، خاتمه دادن به قراردادهای موقت و سفید امضا شده اند اما دولت و کارفرماها کوچکترین وقعی به خاسته و مطالبات کارگران نگذاشته اند. اخیرا در نتیجه تشدید اعتراضات کارگری طرح بیمه کارگران ساختمانی به مجلس ارائه شده است که این طرح نیز با مخالفت شورای نگهبان مواجه گردیده و به بهانه «بار مالی زیاد» رد شده است. لایحه ای که اگر هم تصویب میشد تنها شامل بخش اندکی از کارگران میشد که عمدتا در استخدام شرکت های بزرگ دولتی و خصوصی هستند و گرنه در کل بیش از هفتاد درصد کارگران پیمانی بویژه کارگران ساختمانی از بیمه بیکاری و غیره محروم هستند. این در حالی است که سیستم استخدام موقت که کارگر را از مفاد قانون کار موجود نیز محروم میکند و در حال تسری به همه واحد های تولیدی است. با این توصیف کارگران ساختمانی در شرایط دشواری به سر میبرند. و پیروزی این انبوه نیروی کار در مقابل دولت و سرمایه داران که این چنین آنان را مورد استثمار و بهره کشی قرار میدهند جز با متشکل شدن، و متحد شدن کارگران در برابر سرمایه داران و دولت امکان پذیر نیست. اما مبارزه کارگران تنها زمانی میتواند قرین موفقیت باشد که بتوانند در تشکلهای سیاسی و صنفی خود متشکل شده و متحدان در برابر سرمایه داران و دولت آنها صف ارایه کنند این واقعیتی است که همه آن را میدانند و اینکه دولت سرمایه داران اجازه برپائی تشکل های مستقل کارگری را نمیدهد، این هم امری است مسلم. و روشن است که هیچ کارفرما و دولتی اجازه

متشکل شدن و متحد شدن را به کارگران نه داده و نه خواهد داد. این خود کارگران هستند که بدون توجه به توطئه ها، دسیسه ها و سرکوبگریهای سرمایه داران و دولت باید دست به کار تشکلهای علنی و مخفی خود شوند.

در این زمینه بویژه وظیفه کارگران پیشرو است که با ایجاد تشکلهای مخفی به کار تبلیغی و ترویجی و آگاهگرانه در میان کارگران همت گمارند. کارگران پیشرو صنایع ساختمانی که جزو پراکنده ترین کارگران محسوب میگردند میباید با ایجاد کمیته های منطقه ای منافع کارگران ساختمانی آن منطقه را نمایندگی کرده و خواست ها و مطالبات اقتصادی و سیاسی آنها را در سطحی وسیع مطرح سازند. روشن است که این تشکلهای بمنابته تشکل مستقل کارگری باید از دسترسی پلیس سیاسی مخفی و بدور باشند و بعد از تشکیل چنین کمیته هایی در بخشهای مختلف یک شهر و یک استان است که میتوان میان آنها هماهنگی لازم را بوجود آورد و تنها در جریان مبارزه است و رشد و شناخته شدن و جا افتادن این تشکلهای است که زمینه ایجاد تشکلهای صنفی درودن کارگران ساختمانی بوجود خواهد آمد. در فقدان سازمانهای نسبتا آگاه از نقطه نظر سیاسی، و مستقل به لحاظ طبقاتی که بتواند از منافع کل کارگران ساختمانی در یک منطقه دفاع کند و به آنها در مبارزات اقتصادی و سیاسی یاری رساند، ایجاد تشکل صنفی یک بخش کارگران ساختمانی، نظیر کارگران نقاش، گچکار و امثالهم در شرایط کنونی ره به جایی نبرده و دریلند مدت به عده اندکی از کارگران آن صنف تقلیل خواهد یافت. خ- عمواغلی

26 مهرماه 1393

با کاهش 15 درصدی قیمت نفت و کسری بودجه فشار اقتصادی و تشدید سرکوب در انتظار کارگران

جلوی کاهش قیمت نفت در اوپک را بگیرد، تنها یک ژست توخالی بیش نیست چرا که افسار اوپک بیش از اینکه در دست جمهوری اسلامی باشد در دست عربستان سعودی و امارات وی است که بدون گرفتن امتیازات قابل توجه و بدون هماهنگی با شرکای خود در اوپک، بویژه آمریکا و کشورهای غربی به خواست دولت ایران تن در نخواهد داد.

با توجه به این امر، از جمله راه حل های قابل تصویری که برای جبران کسری بودجه ارائه میدهند، نخست اینکه دولت نرخ ارزش را «واقعی» کند تا بتواند از طریق فروش ارز بخشی از کسری بودجه را جبران کند. ادعای برخی از کارشناسان اقتصادی دولت این است که با واقعی شدن قیمت ارز، صادرات غیرنفتی رونق میگیرد و البته در عین حال تاکید میکنند که این در حالی است که جلوی رشد نقدینگی و تورم گرفته شود.

ولی آنچه که این نئولیبرالهای وطنی از آن غافلند این است که در صورت واقعی کردن نرخ ارز یعنی افزایش قیمت آن، تولید کنندگان داخل با هزینه بالای تامین مواد اولیه و قطعات وارداتی و غیره مواجه خواهند شد و بناچار هزینه تولیدات بالاتر خواهد رفت و در بازار امکان رقابت با کالاهای وارداتی ارزان قیمت را نخواهند داشت. بدین ترتیب تولیدات داخلی که تحمل ارز 2600 تومانی را ندارند و اغلب آنها در حال ورشکستگی هستند و یا دارند با فشار زاید الوصف به کارگران و کارکنان خود که اغلب حتی پرداخت حقوق آنها را ماه ها به تعویق میاندازند، به حیات خود ادامه میدهند، نمیتوانند با قیمت واقعی ارز

اخیرا با کاهش قیمت نفت صادراتی اوپک اقتصاد بحران زده کشورهای که اقتصاد آنها عمدتاً به تولید نفت و فرآورده های آن وابسته است را با چالش جدی مواجه ساخته است. کاهش یکباره قیمت نفت ممکن است در کوتاه مدت به کشورهای نظیر عربستان سعودی که دارای هزاران میلیارد ذخایر ارزی است چندان تاثیری برجای نگذارد. اما اقتصاد کشورهای نظیر ایران را با مشکلات جدیدی مواجه میسازد.

با کاهش 15 درصدی قیمت نفت و کسری بودجه

فشار اقتصادی و تشدید سرکوب در انتظار کارگران ایران

دولت روحانی هنگام تدوین بودجه سال 93 قیمت هر بشکه نفت را 100 دلار محاسبه کرده بود بنا بر این حاصل صادرات نفت در جمع درآمدهای بودجه ای دولت در سال 93 شامل صادرات نفت خام یک میلیون بشکه در روز، صادرات میعادات گازی 297 هزار بشکه در روز و فروش میعادات گازی به پتروشیمیها 120 هزار بشکه در روز تعیین شده بود. اگر ارقام ذکر شده را ثابت فرض کنیم یعنی در صورتیکه مشکلات ناشی از ادامه تحریمها و تبعات آن، تغییری در ارقام مذکور بوجود نیاورد، اکنون کاهش 15 درصدی درآمد نفت عملاً دولت را با کسری بودجه مواجه خواهد کرد. اینکه دولت برای جبران این کسری بودجه چه تدبیری اندیشیده و به چه طریق آنرا جبران خواهد کرد، مسئله ای است که ظاهراً هنوز بی پاسخ مانده است. اینکه روحانی از وزیر نفت خواسته است

نزدیک به چهار هزار تومان و بیشتر در مقابل کالاهای وارداتی رقابت کنند. این تازه شامل تولیدات صددرد صد داخل است و گرنه برای صنایع مونتاژ اوضاع به مراتب بدتر خواهد شد. چرا که برای کالاهای مورد نیاز صنایع مونتاژ که عمدتاً از خارج وارد میشوند، باید ریال بیشتری بپردازند و در نتیجه قیمت تمام شده افزایش خواهد یافت و از قدرت رقابت با کالاهای مشابه تولید شده در خارج خواهد کاست. بنا بر این چنین راه حلی نمیتواند به جبران کسری بودجه کمک کند.

تاجائیکه به سیستم سرمایه داری و کارکردهای آن مربوط است و خارج از اینکه چه باند مافیائی در حاکمیت قرارداد و یا چه کسانی شریانهای اقتصادی را در چنگال بی رحم خود گرفته اند، در شرایط بحرانی بر آن خواهند بود تا به هر طریق ممکن جلوی افت سود سرمایه را بگیرند و تلاش خواهند کرد سود های خود را از راه های مختلف تامین کنند. چه از راه تشدید استثمار و فشار روز افزون به سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و چه از طریق جنگهای محلی و منطقه ای و حتی جهانی، آنها کوشش خواهند کرد به قیمت هر جناتی شده سود سرمایه های خود را تضمین کنند. این بار نیز این طبقه کارگر و زحمتکشان خواهند بود که بار مشکلات کسری بودجه ناشی از پائین آمدن قیمت نفت را متحمل خواهند شد. دولت و سرمایه داران همچون گذشته تلاش خواهند کرد از طریق تعدیل نیروی کار، یعنی اخراج بخشی از کارگران و گذاشتن بار کمبود نیروی کار بیکار شده بردوش کارگران شاغل و تشدید استثمار و دامن زدن به رقابت و دشمنی میان کارگران، پائین آوردن سطح ... ادامه در صفحه 13

حضور داعش در منطقه ، خلاصه ای از مصاحبه تلویزیون دریچه با سالار حسامی از اعضای سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

دریچه : آقای حسامی همانطور که مطلعید طی چند سال اخیر در سطح منطقه و بخصوص چند هفته اخیر در کردستان غربی (سوریه) و کردستان جنوبی (عراق) گروه ارتجاعی و تبهکار دولت اسلامی عراق و شام (داعش) اقدام به تحرکات گسترده ای نموده . شما که از نزدیک در جریان تحولات منطقه و روحيات توده های خلق کرد قرار دارید این تحرکات تروریستی را چگونه ارزیابی میکنید ؟

پاسخ : فکر میکنم شناخت ماهیت جنگ کنونی به ما در پاسخگویی به سؤال شما کمک کنه . همونطور که میدونیم ایجاد جنگهای منطقه ای بمنظور تقسیم منابع اقتصادی منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دستور کار امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم آمریکا قرار گرفت . در همین راستا بود که در سال 91 و با شروع جنگ اول خلیج و اشغال کویت توسط عراق آتش بزرگترین جنگ منطقه ای شعله ور گردید و پیامدهای اونم تا حال حاضر برجا مونده . اگه اشغال افغانستان و عراق به بهانه مبارزه با تروریسم و اعطای دمکراسی تهاج وحشیانه امپریالیستی و ماهیت غارتگرانه این جنگها رو در هاله ابهام فرو میبرد و در تفکر و اذهان عامه مردم چنین القا میشد که جنگ حقوق پاتیمال شده اونها رو از رژیمهای دیکتاتور و احزاب مافیایی ارتجاع مذهبی به آنها باز میگردد ، اما در حال حاضر اجرای طرح خاورمیانه بزرگ از طرف امپریالیسم آمریکا ابزارهای خاص خودشو

طلب میکنه . در چنین شرایطی که دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بعنوان بزرگترین و جدی ترین مجری این طرح و سیاست امپریالیستی ظهور کرده و اجازه فعالیت خودشو در حال حاضر در مناطق سنی نشین کشورهای منطقه از سوریه تا ایران از امپریالیسم آمریکا اخذ کرده . در شرایط کنونی مناسبترین ابزار برای تقسیم بندی مناطق تحت نفوذ امپریالیسم بمنظور کنترل بیشتر بر منابع حیاتی و اقتصادی این مناطق گسترش درگیریهای قومی و مذهبی از جانب گروههایی همچون داعشه که ساخته و پرداخته امپریالیستها هستن . به همین منظور تحرکات گروه مافوق ارتجاعی داعش کاملاً در راستای سیاستهای امپریالیسم آمریکا در منطقه ارزیابی میشه .

دریچه : ادامه سیاست امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم آمریکا در آینده ممکن است منجر به چه تغییراتی در جغرافیای منطقه شود ؟

پاسخ : وجود منابع غنی انرژی بعلاوه موقعیت خاص ژئوپولیتیکی ، خاورمیانه رو به حوزه منفعت غیر قابل اغماضی برای امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده . این در حالی که اکثریت دولتهای ارتجاعی حاکم در خاورمیانه با در نظر گرفتن ساختار بسته خودشون نه تنها با نظم سیاسی و اقتصادی آمریکا و نظام جهانی و ضرورت جهانی شدن سرمایه هماهنگی لازم ندارند ، بلکه جنبشهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی منطقه هم از پتانسیل فراوانی برای مقاومت و مقابله برخوردارن . به

همین خاطر پیگیری اصلاحات سیاسی در چهارچوب طرح خاورمیانه ای آمریکا بمنظور استقرار نظم سیاسی مطلوب و اصلاحات اقتصادی در راستای اقتصاد لیبرال و بازار آزاد در دستور کار قرار گرفته . کشورهای منطقه از ترس داعش و حضورش بایستی دست بدامان آمریکا بشن و از بین جنگ با داعش و یا اجرای طرح خاورمیانه ای و تجزیه مناطق کشور به قطعات کوچکتر یکی رو انتخاب کنن . هدف طرح خاورمیانه بزرگ ، بر خلاف آنچه که ادعا میشه نه دمکراتیزه کردن این منطقه بلکه لیبرالیزه کردن منطقه و همسویی با نظم لیبرالیستی بین المللی هستش . بنابر این نظم لیبرالیستی بین المللی مترادف با مدرنیته فرض شده . جریانات رادیکال منطقه هم بر بستر عوامل متعددی از جمله وجود دولتهای ناکارآمد ، اقتصاد ناسالم ، عدم مشروعیت ، عدم رعایت حقوق بشر ، سرکوب مخالفین ، رشد جمعیت و غیره رشد و تقویت میابند . ضعف دولتها و عدم استقرار اصول دمکراتیک ، نارضایتی نسبت به اقدامات حکومتی رو افزایش داده و از طرفی دیگه هم خشم و انزجار نسبت به سیاستهای آمریکا در منطقه بعنوان یکی دیگه از عوامل تشدید کننده وضع نامطلوب در این جوامع محسوب میگردد . در چنین شرایطی بدنبال ضعف و پراکندگی در جنبش چپ منطقه و حتی در سطح جهانی ، اسلامگرایی با اقبال نسبی مواجه گردیده . اما آنچه که مهمه اینه که پدیده اسلامگرایی فاقد شکل واحدیه و اشکال گوناگونی از اسلامگرایی رشد و تکوین یافتن . اقدامات منطقه ای و بین المللی اونها موجب شده که دولتمردان آمریکا در تعیین و

حضور داعش در منطقه....

مشخص کردن سیاستهای خاورمیانه ای خودشون جایگاه ویژه ای رو به این مقوله اختصاص بده ن . در شرایط کنونی مناسبترین ابزار برای مقابله و مهار جنبشهای رادیکال و وقوع تغییر و تحولات بنیادین سیاسی و اقتصادی در منطقه پدیده اسلامگرایی و بخصوص داعش در اشکال متنوع اونه که امپریالیسم آمریکا ازش استفاده لازم رو میبره . نقش اسلام میانه رو در ایران و داعش در کشورهای بحران زده عراق و سوریه و افغانستان در جهت خلق بحران بیشتر و مقابله با جنبشهای مترقی همچون جنبش کردها در کردستان سوریه از عمده ترین محورهای برنامه های آمریکا در منطقه هستش .

دریچه : آیا با توجه به قدرت گیری جنبش توده ای خلق کرد در کردستان غربی (روژاوا) و مقاومت خلق کرد در برابر ارتجاع مذهبی و توطئه های امپریالیسم در آینده شاهد شکلگیری جریان و جنبش وسیع ضد امپریالیستی و سوسیالیستی کارگری در منطقه و بخصوص در کردستان خواهیم بود ؟

در پاسخ سنوال قبلی شما یادآور شدم که یکی از پیش شرطهای اجرای طرح خاورمیانه ای امپریالیسم امریکا مقابله با جنبشهای مترقی و بخصوص جنبش کردهای سوریه هستش و ابزار پیشبرد این سیاست هم گروه تبهکار داعشه . جنبش کردهای سوریه از پتانسیل بزرگی برای ایجاد تغییر و تحولات دمکارتیک انقلابی برخورداره . تفاوت ماهیتی مدیریت سیاسی این منطقه کردنشین با کردستان جنوبی توجه عموم توده های خلق کرد در سایر بخشهای کردستان رو به خودش جلب

طی یک سال دست کم ۸۵۲ نفر در ایران اعدام شدند

هر روز خیر اعدام تعداد زیادی از زندانیان در روزنامه ها و سایت های خبری و رسانه های گروهی رسماً اعلام میشود .

قتل و کشتار نشان از ضعف و درماندگی جمهوری اسلامی در کنترل بحران رو به گسترش و دامنگیر حاکمیت ننگینش است ، اعدام و کشتار زندانیان ، تداوم و گسترش شکنجه ، آذیت و آزار در شرایط کنونی ناشی از هراس رژیم از گسترش مبارزه و قیام توده های زحمتکش در سراسر کشور است .

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی طی بیش از 35 سال حکومت سراسر سیاه و تباهی خود در مقابل اعتراض توده های زحمتکش به وضع موجود ، آنان را سرکوب شکنجه و اعدام کرده . چنانچه مروری به کارنامه رژیم در طی 35 گذشته بیاننازیم خواهیم دید که ، موجودیت اش با سرکوب و زندان ، شکنجه و اعدام اجین گشته است ، و چنانچه شاهدیم و با سر کار آمدن روحانی رژیم همچون گذشته با اعدام های بی وقفه و دیکتاتوری عنان گسیخته خود سعی در ایجاد ترس و رعب در جامعه کرده است .

رژیمی که از هر سوی درگیر بحرانهای فزاینده و رو به گسترش اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و هزاران هزار معضل دیگر است هر از چند گاهی که خویش را در گرداب بنیان بر افکن بحرانهای داخلی و بین المللی میابد به سیاست گسترش فضای رعب و وحشت روی میاورد و هر صدای اعتراضی را در اوج بیرحمی و با آتش سلاح و اعمال قهر ضد انقلابی پاسخ میگوید .

با توجه به بحران کنونی منطقه و حضور نیروهای ارتجاعی همچو داعش که ساخته و پرداخته دست کشورهای امپریالیستی است و رسالتی به جز سرکوب جنبش های مترقی منطقه و پیشبرد طرح های کشورهای امپریالیستی ندارد . رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از این فرصت که تمامی رسانه ها و افکار بین المللی به سوی جنایت داعش خیره شده استفاده کرده و ماشین کشتار و اعدام خویش را بیش از گذشته برای سرکوب به بهانه های مختلف بکار انداخته است به طوری که طبق گزارش ، گزارشگر ویژه سازمان ملل ، رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی و مزدوران جلادش دست کم ۸۵۲ نفر را طی یک سال گذشته اعدام کرده .

در چنین شرایطی است که نیروهای انقلابی و سازمان های سیاسی باید با هوشیاری و حساسیت بیشتر ضمن پشتیبانی از جنبش های مترقی منطقه و مقاومت آنان در برابر ارتجاع از به حاشیه رانده شدن مسائل مهم و مرتبط با ایران جلوگیری کنند و صدای خود را در محکوم کردن و افشای چهره واقعی رژیم رساتر کنند .

بدون شک نه تنها رژیم منفور جمهوری اسلامی بلکه هیچ رژیم و سیستم دیگر قادر نخواهد بود که با توسل به سرکوب و فضای رعبانگیز ارادهی مصمم توده های مردم را جهت رسیدن به آزادی و خواسته های بر حق شان درهم بشکند .

کارگران پیشرو : با اتخاذ شعارهای تاکتیکی ، ماهیت ناپیگیر ، روشهای تاکتیکی و شعارهای برنامه ای احزاب و دستجات اپوزیسیون بورژوایی را افشا کنید !

حضور داعش در منطقه ...

کرده . خومدیریتی دمکراتیک توده ای در غالب کانتونها ، ایجاد ارتش خلقی ، برابری حقوق زنان و مردان در عرصه های سیاسی ، اجتماعی و نظامی و غیره همگی از نمودهای طلوع و برخاستن جنبشیه که امپریالیسم رو به وحشت انداخته تا مانع از گسترش چنین جنبشی به دیگر بخشهای کردستان و حتی منطقه بشه و به همین خاطر مزدوران تا به دندان مسلح مرتجع خودشو تحت نام داعش اجیر کرده تا در مناطق خارج از کنترل اونها به جنایت و ادمکشی دست زده و هر صدایی رو با وحشیانه ترین شکل ممکن خفه کنه . گزافه گویی نیس اگه بگیم پیروزی خلق کرد سوریه و حفظ دستاوردها به گسترش جنبش آزادیخواهی و دمکراتیک در سایر بخشهای کردستان و همچنین منطقه خاورمیانه میانجامه .

دریچه : بمبارانهای هوایی امریکا علیه مواضع داعش را چگونه ارزیابی میکنید ؟ همچنین این حملات چه تاثیراتی در وضعیت کنونی جریانات درگیر و همچنین توازن قوای کنونی دارد ؟ کردستان عراق خط قرمز امریکا اعلام شده و این به آن معناست که فعالیت و تحرکات داعش در حال حاضر خارج از این محدوده آزاد و در چهارچوب سیاستها و منافع آمریکا ارزیابی میشه . هر وقت وضعیت کردستان عراق از لحاظ سیاسی تهدیدی برای منافع امریکا محسوب بشه میدان عمل داعش هم با چراغ سبز آمریکا به کردستان عراق گسترش پیدا میکنه . داعش در شرایط کنونی تنها ابزار ایجاد بحران منطقه ای و مقابله با رشد و گسترش جنبش دمکراتیک توده ای در کردستان سوریه هستش . بمبارانها تنها در

محدوده اربیل و نه در سطحی وسیع انجام شد و توازن قوا در این منطقه انهم در محدوده جغرافیایی کوچکی بسود نیروهای کردی بهم خورد . در حالیکه در مناطق جنوبی و بخصوص در منطقه جلولا و محور جلولا و خانقین داعش موفق به اشغال جلولا و پیشروی بسوی مناطق مرزی ایران شده و در چنین مناطقی هیچ خبری از بمبارانهای هوایی امریکا نیست . البته اهمیت میداین نفتی این مناطق نیز بر کسی پوشیده نبوده و امریکا تمایلی به دخالت در این مناطق که عرصه جنگ کردها و داعشه نداره .

دریچه : آیا کاهش درگیریها در کردستان عراق بمنزله افول تحرکات داعش است یا اینکه میدان و حوزه درگیریها به جاهای دیگری در منطقه انتقال پیدا خواهد کرد ؟
پاسخ : منظور من هم از تحرکات بعدی در پاسخ سؤال قبلی شما همین بود که سیاست امریکا در منطقه سیاست بحران آفرینیه و داعش بایستی از انچنان توانایی و تحرکی برخوردار باشه که بتونه میدان نبردشو سریعاً عوض کنه . با در نظر گرفتن رشد و قدرت گیری جریان سلفی گری در مناطق سنی نشین ایران و بخصوص کردستان ایران ، میدان جنگ اتی داعش کردستان ایرانانه . قدرت نمایی اخیر اوباشان داعش در شهرهای سنندج و بانه و جوانرود و سردشت نشانه تحولاتیه که در آینده نزدیک در کردستان ایران روی میده . به همین خاطر توده های خلق کرد در کردستان شرقی (ایران) بایستی با مسلح نمودن خودشون برای مقابله با تهدیدهای داعش آماده بشن و مبارزه خلق کرد در کردستان سوریه رو الگو و سرمشق خودشون قرار بده ن و در برابر داعشیان

حاکم بر ایران و گروه مافوق ارتجاعی داعش سنگرهای خودشونو مستحکم کنن .
دریچه : نظر سازمان شما ، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در این تغییر و تحولات منطقه چه هست ؟

پاسخ : سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بارها در نوشته و اطلاعیه های رسمی خودش از هر جنبش مترقی و دمکراتیکی که توان پاسخ گویی به خواستههای دمکراتیک توده های مردم را داشته دفاع کرده و آمادگی خودش را برای مبارزه مشترک و اتحاد عمل را با حفظ استقلال طبقاتی خودش اعلام کرده در خصوص جنبش کردها در سوریه همانطور که در بحثی که داشتیم اشاره کردیم جنبش کردهای سوریه از انچنان پتانسیلی برخوردار است که پاسخ گوی نیازهای فعلی و دمکراتیک توده های مردم در آن منطقه را دارست . ما در سازمان اتحاد فدائیان کمونیست از بدو شروع تحولات در سوریه ضمن پشتیبانی از مبارزات کردها در سوریه آمادگی خودم را برای کمک رسانی و یاری رساندن به مبارزین در کردستان سوریه اعلام کردیم . چرا که بر این باور هستیم که حمایت و تقویت جنبش رو به رشد کردها در سوریه ضامن پیشبرد و ارتقا مبارزات ضد امپریالیستی نه تنها در دیگر بخش های کردستان که در کل منطق است و طرد و نادیده گرفتن این موضوع از جانب نیروهای که خود را چپ و کمونیست مینامند به معنی انفعال و بی موضوعی در خصوص تحرکات منطقه است .

آخرین انتشارات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را از سیات های زیر دریافت کنید .

www.kare-online.com

www.fedayi.org

کوبانی، پیمان

در حالیکه جهان اینهمه توحش و این درجه از قساوت داعشی ها را به تماشا نشسته است، وقت برای کوبانی مقاوم به تنگنا رسیده است و از جان گذشتگی های بیدریغ و فداکاری زنان و مردان کرد کوبانی در مقابل سلاحهای سنگین جنایتکاران کوتاه آمده است.

بله، کوبانی در آستانه سقوط است و هزاران مردم مبارزش در این 24 تا 36 ساعت آینده در خطر سلاخی داعش قرار خواهند گرفت و این دل هر انسانی را بدرد خواهد آورد. ولی امپریالیسم آمریکا و فاشیستهای حاکم در ترکیه و قیحانه نظاره گر این جنگ نابرابر گشته اند و هنوز مشغول حسابگریهای سیاسی و منافع خود در منطقه هستند تا اینکه ذره ای هم برای این ددمنشی هایی که به مردم کوبانی روا میروند، ککشان بگزد.

طبق گفته مبارزین "حفاظت از مردم" واحد کوبانی، با سقوط کوبانی، داعش برتری استراتژیکش را در منطقه مساعدتر می کند، و کانتونهای "جزیرا" و "افرین" را هم در موقعیت ضعیف تری قرار خواهد داد. داعش از طرق تصرف کوبانی مرزش را از رقه تا مرز ترکیه بسط داده و "روژ آوا" را بیشتر آسیب پذیر خواهد کرد.

کوبانی ها هر چقدر در توان داشته اند سرمایه مقاومتشان قرار داده اند و دهها سر این هیولای هزار سر آدمخوار را به سنگ کوبیده اند ولی نتوانسته اند آنرا برای همیشه از پا در آورند. چند روز آینده بسیار حیاتی هستند این مبارزین قهرمان، سر خصم بکوبند به سنگ، یا او سر پیر و جوان، بر دم تیغ گذارد به آسان.

تبهکاران داعش حاصل سالها ساپورت مالی و نظامی خود آمریکا و رژیمهای ارتجاعی محلی برای مقابله با خیزشهای مردمی و اعتلاء انقلابی توده ای بوده اند. مردم آمریکا باید همچون مردم ترکیه به دولتهایشان فشار بیاورند که حداقل مانع از رسیدن کمکهای مردمی و داوطلبین به رزمنده های کوبانی نباشند. دول امپریالیستی، بویژه آمریکا و ترکیه مسئولیت جنایاتی را که همچنان دارد قربانی می گیرد، برعهده دارند. آنها از این دارودسته های ضدانقلابی برای نا امن سازی و گسترش میلیتاریسم، سرکوب انقلاب و توسعه سلطه خود استفاده میکنند.

در حال حاضر دهها هزار کرد و ترک ترکیه با پلیس اردوغان در خیابانهای استانبول و شهرهای مرزی در افتاده اند و خواهان عبور از مرزها برای پیوستن به مبارزین کوبانی هستند. ترکیه نه اجازه عبور از مرز را به دوستان کوبانی میدهد و نه به کوبانی های که می خواهند از این فاجعه به جای امنی پناه ببرند، اجازه ورود داده است.

سرمایه داری جهانی و رژیمهای ارتجاعی محلی اش بیشتر از مردم و مبارزه از پایین

می ترسند تا از جلادان داعش. اگر این نیست چرا رژیم ترکیه به مجروحین داعش اجازه ورود به بیمارستانهایش برای جراحی و مداوا میدهد ولی درهایش را بروی مردم بی پناه کوبانی می بندد. در عین حال موقعیت ترکیه در ارتباط با مسئله کردهای خود ترکیه نامساعدتر خواهد شد اگر از این جنگ پیروز بیرون بیایند. همینطوری اش هم چه موفق شوند و یا سقوط کنند با مبارزات خیره کننده شان توانسته اند پشتیبانی میلیونها انسان آزاده را از مبارزات خودجلب کنند.

جامعه جهانی آذخواهان و بشردوستان، برای حفظ جان و حرمت انسانهای بیگناهی که تنها جرمشان دفاع از خانه و کاشانه و حیاتشان در مقابل نکبت آفرینی مثنی آدمخوار داعش است باید به یاری و کمک این مبارزین رسیده و کوبانی را گورستان قاتلینش کنند. صدای کوبانی باشیم و انعکاس مبارزه شان، اگر نمیتوانیم در سنگرهایشان مبارزه کنیم.

زنده باد کوبانی و رزمش پیروز ننگ و مرگ بر آدمکشان حرفه ای داعش و انواع و اقسام برادرهای مختلفش در

ایران
نوشین شفاهی

**سوسیالیسم و کمونیسم نه محصول تخیلات
بشر دوستانه بوده و نه مفاهیم و مقولاتی
مقدس هستند که در رویاهای مصلحین
اجتماعی و در آرزوهای خام انسانهای ناتوان
در برابر اتفاقات و حوادث تاریخی و طبیعی
شکل گرفته باشند. کمونیسم محصول جامعه
سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه
متضاد اجتماعیست: طبقه کارگر و طبقه
سرمایه دار که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه
داری معاصر را تشکیل میدهند.**

دیدگاه ها



فمینیسم، ناسیونالیسم و "جنبش مسلحانه زنان کوبانی"

در بستر خشونت و وحشی گری، در سرزمین آتش و خون و جنگ، در میان شعله های خشم جهل و دین، در دشت آسمان مه گرفته دلتنگی ها از سرهای بریده و جان دادن و آرزوها و رویاهای نهفته در سینه، زنان و دخترانی برای برابری و انسانیت می جنگند. زنان کوبانی نامی که این روزها بر سرزبان ها افتاده و دیدگاه های مختلفی را در مخالفت یا موافقت در مسلح شدن زنان برانگیخته است.

داعش با تفکری پلید و ارتجاعی و ضد انسانی، انسان ها را سر می برد و حکم مثله کردن هزاران زن را صادر کرده و صدها زن را به اسارت و بردگی در خیابان ها به حراج گذاشته است، داعش قصد دارد بربریت را جایگزین انسانیت کند و از هیچ گونه درنده خویی نه تنها ابایی ندارد بلکه سرهای بی تن را بدست کودکان در معرض نمایش قرار می دهد تا ترس و وحشت در دل جامعه بیافکند. مادرانی در سنین متفاوت و تا 40 سال و بالاتر باچهره هایی خسته از ستم و نابرابری و دختران جوانی که با کوله باری از آرزوها، برای ساختن دنیایی بهتر یا حداقل از دست ندادن قوانین نسبی انسانی که تاکنونی که به دلیل یک عمر مبارزه ایشان بدست آورده اند و نمی خواهند آن حداقل ها را هم از دست بدهند، امروز بپا

خاسته اند و اسلحه به دوش کشیده اند تا از حرمت انسانی شان دفاع کنند. این زنان مستقل با هر تفکر و دیدگاهی می خواهند از زندگی شان، از فرزندانشان، از حق شان دفاع کنند و این شجاعت و اراده ی استوارشان ستودنی است. زنانی که نمی خواهند اجازه دهند تا تاریخ سیاه اسلام با به بردگی گرفتن و فروش زنان بار دیگر تکرار شود.

نظری این است که مسلح شدن زنان خود نوعی وارد شدن در خشونت است. چون اگر اسیر شوند مانند مردان با آنها رفتار نمی شود. و نظری می گوید که این زنان بخشی از نیروی احزاب ناسیونالیست کرد اند... اولاً تجارب تا کنونی ثابت کرده است که اگر زنان بمانند انسانهای بی اراده درخانه بمانند مورد تجاوز قرار گرفته و به اسارت و بردگی و بازار فروش فرستاده می شوند. اما اگر بجنگند نشان می دهند که تسلیم سرنوشتی نمی شوند که داعش برایشان تعیین می کند.

دوما زنان کوبانی بخشی از سنت ناسیونالیسم کرد نیستند. زنان در سنت "کردایه تی" مادرانی اند که پیشمرگان را در دامان خود می پروراند و برای پیشمرگان لباس و آذوقه تهیه می کنند. شرکت داوطلبانه زنان کوبانی علیه این سنت قد علم کرده است. گیریم بخشی از این زنان به تفکر ناسیونالیستی الوده باشند، اما امروز بحث بر سر این نیست. شرایط امروز برای این زنان و جنگ شان جنگ مرگ و زندگی است. آنها تصمیم گرفته اند علیرغم ارتش پیشمرگان مرد احزاب، خود مستقلاً سر پای خود بایستند و به دشمن بگویند که گوسفندان بی آزاری نیستند که آنها سرشان را ببرند و یا به میدان های خرید و فروش بفرستند. این را از زبان

خود زنان و دختران مسلح کوبانی می شنویم که ما نمی خواهیم تسلیم داعش شویم. دنیایی را نمی خواهیم که آنها ما را به بردگی قرون وسطی برگردانند. همین اراده و تصمیم زنان کوبانی صرفنظر از اینکه در آینده کدام نیروی می برد یا می بازد نقطه عطفی تاریخی در تاریخ مبارزه زنان برای آزادی و برابری است.

جنبش زنان کوبانی و تحرک بیشتر زنان به مسلح شدن صرفاً امری مربوط به زمان حال نیست و ریشه در اعتراض تاریخی زن به موقعیت فرودستش دارد. شاید گفته شود که زنان قبلاً هم در میان پ ک ک یا حزب برادرش در سوریه مسلح شده اند. ولی نباید فراموش کنیم که در سنت پ ک ک زنان و دخترانی که در سازمان گریلایشان مسلح می شدند دیگر زن نمی ماندند. اینها دیگر از همه بروزات زنانگی باید دست می شستند. دختران گریلا میبایست مرد می شدند. آنها حق عاشق شدن و ازدواج و بچه دار شدن نداشتند. با پیوستن دختران و زنان به صف پ ک ک زنانگی و همه چیز ممنوع بوده و همه بدون ابراز وجود جنسیتی گریلا و فداییان وطن می شدند. مردسالاری و درجه دو بودن زن در سنت ناسیونالیسم کرد اگر بمانند داعش امروز نیست اما هیچ تفاوتی با سنن مذهبی چون جمهوری اسلامی ندارد. بنا بر این حرکت امروز زنان بویژه در کوبانی در این سنت نیست. آنها دخترانی اند که چه بسا نامزد و یا معشوقی دارند و یا مادرانی اند که همسر و فرزندانشان را دارند. این ها فداییان وطن نیستند بلکه مدافعان آزادی و حرمت انسانی خود هستند. این ها با چشمان خود می بینند که چگونه صدها زن ایزدی را به اسارت برده و در بازار بردگی به فروش می

کوبانی همچنان مقاومت میکند

دفاع از مبارزات زحمتکشان کوبانی یک وظیفه انقلابی است
کارگران وزحمتکشان
احزاب وسازمانهای انقلابی

همانطور که در اعلامیه های قبلی سازمان و کمیته کردستان بارها فراخوان داده و تاکید نموده ایم، از مدت‌ها قبل کانتون های سه گانه کردستان سوریه با توطئه ای از پیش طراحی شده مورد یورش وحشیانه حکومت اسلامی داعش قرار گرفته اند و نیاز به کمک و حمایت همه جانبه دارند. مناطق سه گانه خود مختار کردستان بعنوان نمونه ای از خود مدیریتی دموکراتیک و تسلیح توده ای و برقراری آزادی های دموکراتیک، تضمین حقوق اقلیت ها، تامین آموزش و بهداشت رایگان و برقراری آزادیهای سیاسی، بویژه نقش برجسته زنان در اداره امور سیاسی، اجتماعی و نظامی در منطقه ای شکل گرفته است که در آتش جنگهای فرقه ای و قومی و مذهبی میسوزد و دخالت های امپریالیستی و قدرتهای محلی آنجا را به جهنمی برای توده های رنج دیده مردم تبدیل کرده اند، روشن است که چنین پدیده ای در این منطقه هرگز مورد پسند قدرتهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه نبوده و نخواهد بود، چرا که خود مدیریتی مستقردر این کانتونها برغم همه نقاط ضعف آن، میتواند بعنوان آلترناتیوی برای رهائی خلقهای زحمتکش گرفتار در چنبره نظامهای سرکوبگر و جریانات مرتجع ناسیونالیستی و مذهبی منطقه مقبولیت یابد. کانتون های خودمختار کردستان سوریه بدون دریافت هیچگونه کمکی از کشورهای خارجی تنها با اتکا به قدرت نیروی متشکل خلق، زنان و مردان مسلح خود از حق حیات، آزادی و دست آوردهای خویش دفاع مینماید. در این میان کوبانی شهری که بیش از سه ماه است که تحت محاصره و توپ باران و موشک باران نیروهای داعش قرار گرفته است تاکنون برغم توطئه دول مرتجع منطقه بویژه دولت ترکیه و اقلیم کردستان که مانع از پیوستن پیشمرگهای داوطلب و یاری رسانی مردم به مدافعین کوبانی شده اند، همچنان مقاومت میکند. و اینک با خطر جدی مواجه هستند. آخرین خبرها حاکی از آن است که محاصره این شهر هر ساعت تنگتر میگردد. طبق اخبار منتشره: تبهکاران داعش غروب روز گذشته در صدد ورود به مرکز شهر کوبانی برآمدند و در جبهه های شرق، جنوب و غرب به حملات سنگین دست زدند. در حین این حملات که با سلاح های سنگین و تانک تبهکاران داعش بویژه در جبهه جنوب صورت گرفت، به شهر نزدیک شدند، اما مبارزان ی.پ.گ و ی.پ.ژ به حملات مقابله به مثل دست زده و اجازه ورود تبهکاران به شهر را ندادند. در جبهه شرقی هم درگیری های سنگین روی می دهد و گفته می شود که پیشروی تبهکاران از سوی مبارزان ی.پ.گ و ی.پ.ژ متوقف شده است. در جبهه غرب هم میان نیروهای ی.پ.گ و تبهکاران داعش درگیری های سنگین روی می دهد.» تا کنون ده ها هزار نفر از اهالی این شهر زیر توپ باران و گلوله باران مداوم داعشی ها، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به سمت مزارع ترکیه روانه شده اند. ترکیه که ابتدا مانع از ورود آوارگان کرد به داخل مرزهای خود شد و هنوز از پیوستن داوطلبین کرد ترکیه به مدافعین کوبانی ممانعت بعمل میاورد، تحت پوشش ایجاد «منطقه حائل» قصد خود از کمک به داعش در حمله به کانتون های سه گانه و سرانجام نابودی آنها اشکار کرده است. در چنین شرایطی وظیفه همه نیروهای انقلابی و انسانهای آزادیخواه است که نسبت به امکانات خود و به هر طریق ممکن به یاری مدافعین کوبانی شتافته و از هیچگونه کمک و یاری به آنها دریغ نوزند.

سازمان اتحاددائیان کمونیست باردیگر همه احزاب، سازمانها و تشکلهای انقلابی، مترقی ایرانی در داخل و خارج کشور را به حمایت همه جانبه از مبارزات و مقاومت خلق زحمتکش کردستان سوریه و مدافعین کوبانی فرامیخواند. اعضا و فعالین سازمان در ایران، کردستان و خارج کشور هر جا که حضور دارند موظفند در حد امکانات خود در زمینه کمک رسانی و حمایت از مبارزات و مقاومت خلق زحمتکش کرد بویژه مدافعین کوبانی فعال باشند.

دفاع از مبارزات زحمتکشان کوبانی یک وظیفه انقلابی است
سازمان

اتحاددائیان کمونیست

10مهرماه

رسانند. در دل این حرکت ایده و تفکر و تصمیم و اراده ای وجود دارد که می گوید: ناجی ای وجود ندارد. ما خود باید به دفاع از خود برخیزیم. فمینیست های نازک دل و مخالف خشونت نمی توانند درد این زنان را و نکبتی را که یقه شان را گرفته بفهمند. و چپ ها یی که از زاویه مخالفت با ناسیونالیسم این حرکت را مفت و مجانی به آنها می فروشند خود کسانی بی اراده و بی ربط به این حرکت اند. یا از دور دستی بر آتش دارند و از آنجا که خود کاری نمی کنند، هر حرکت انقلابی و آزادیخواهانه را دودستی به جریاناتی که درگیراند تقدیم می کنند. اگر فردا زنان مسلح کوبانی یا داوطلبان مسلح شدن در میان زنان منطقه ناچار به تسلیم در برابر سنت ناسیونالیسم کرد شوند خود هیچ تقصیری ندارند. ان زمان منتقدین از موضع چپ است که باید سرشان را پایین بیندازند که سراغ این حرکت نرفته و به ارتقای افق سیاسی شان کمک نکرده اند.

نهایتا حضور زنان آزادی خواه در میدان های مبارزه، همواره انگیزه ای قوی ست برای امکان درهم شکستن مناسبات نابرابر و زن ستیز. باید از هرگونه امکانی برای ارتقای سطح آگاهی و توان مبارزاتی و امروزه توان نظامی این زنان علیه توحش داعش و تحجر و هرگونه فرقه گرایی و قوم پرستی و زن ستیزی و ارتجاع کوشید و تلاشی خستگی ناپذیر را انجام داد. تمام زنان و هرکس که مدعی مدافع حقوق زن است باید از مبارزات این زنان دفاع کند و به پشتیبانی از آنان بپیوندد. باید از این زنان آموخت.

شراره رضایی

29مرداد 1393

بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۴-۹۳

با فرارسیدن ماه مهر، سال تحصیلی جدید آغاز میگردد. میلیونها نفر از فرزندان کارگران و زحمتکشان به امید کسب دانش و تامین زندگی بهتر برای آینده خود، روانه مدارس و دانشگاه ها میشوند. درکشور ما بدلیل حاکمیت رژیمي به غایت ارتجاعی، سالها است که مسیر دستیابی به تجربیات و دانش بشری با موانع متعددی روبرو است. دانش آموزان و دانشجویان از همان گامهای نخستین ورود به مراکز آموزشی با انبوه موانع روبرو هستند، چرا که ارتجاع مذهبی با زور سرنیزه سایه شوم خود را بر مدارس و مراکز آموزشی نیز گسترانیده است. جهل و خرافه را با توصل به انواع ترفند ها از جمله از طریق مسخ دست آورد های بشری. جعل حقایق تاریخی در اذهان نیروی جوان و تاریخ سازان آینده فرو میکند. آنها با تفتیش عقاید و حاکم نمودن اختناق و وحشت در محیط آموزشی، راه شکوفائی استعداد ها و رشد خلاقیت جوانان را مسدود میسازند و بر زمینه چنین برنامه ریزی است که تلاش میکنند تا نیروی عظیم دانش آموزان و دانشجویان کشور را در جهت مقاصد سرکوبگرانه و اهداف سیاسی خود به کار گیرند. امسال نیز همچون سالهای پیشین اقدامات رژیم برای اعمال کنترل پلیسی بر مدارس و دانشگاه ها مدتها قبل از آغاز سال تحصیلی شروع شده است. علاوه بر رایج نمودن آموزشهای غیر علمی و اشاعه خرافه پرستی در میان جوانان، تلاش میکنند با کشتادن بخشی از آنها به خرابیاتها و معابر عمومی و تبدیل شان به ابزار سرکوب مافیای قدرت و ثروت و تقویت انجمنهای اسلامی این لانه های جاسوسی و سرکوب و اختناق، وجه تکمیلی سیاستهای آموزشی خود سازند.

دانش آموزان، دانشجویان و معلمان مبارز! امسال شما در شرایطی راهی مراکز آموزشی میشوید که بنا بر آمار اعلام شده توسط مسئول نهضت سواد آموزی کشور بیش از 9 میلیون نفر بیسواد در کشور وجود دارند. در حالی که میلیونها نفر از هم سن و سالهای شما بدلیل فقر و نداری و آوارگی و بی خانمانی از حضور در مدارس و مراکز آموزشی محروم هستند. شرایط مشقت بار زندگی، بیکاری و گرانی بخش دیگری از نیروی جوان جامعه را حتی از آموزش ابتدائی نیز محروم ساخته است. کم نیستند جوانان و نوجوانانی که به جای رفتن به مدرسه مجبورند برای تامین معاش خود و کمک به معاش خانواده، به کارهای طاقت فرسا روی آورند. جمهوری اسلامی تاکنون نه تنها از مصائب این قربانیان فقر و فلاکت نکاسته است بلکه با واگذاری بخش مهمی از مراکز آموزشی به بخش خصوصی، مدارس را به منبع دیگری از سود اندوزی سرمایه داران تبدیل نموده و محرومیت بیشتری را بر فرزندان خانواده های فقیر و زحمتکش اعمال مینماید. علاوه بر اینها میلیونها دانش آموز در شرایطی وارد سال تحصیلی جدید میشوند که از حق آموزش به زبان مادری خود محرومند و اعمال این تبعیض مضاعف نیز همچون مانعی در رشد و شکوفائی استعداد های علمی، فرهنگی و هنری نوجوانان ملیت های غیر فارس محسوب میگردد.

دانش آموزان، دانشجویان و معلمان مبارز! سال تحصیلی جدید در شرایطی حساس آغاز میگردد، بحران جهانی سرمایه داری فروکش نکرده است، منطقه خاورمیانه در آتش جنگهای فرقه ای و دخالت کشورهای امپریالیستی و دول مرتجع منطقه میسوزد. سیاست های اقتصادی رژیم

درايران زندگي را بر میلیونها کارگر و زحمتکش جانفرو سانساخته است. گرانی، بیکاری، اعتیاد، فساد و رانت خواری بیداد میکند. دریکسو صاحبان قدرت و ثروت هستند که با تشدید استثمار و غارت و چپاول دسترنج توده های زحمتکش مردم هر روز فربه تر میشوند و درسوی دیگر اکثریت عظیم توده های کار و زحمت هستند که به سمت فقر و فلاکت بیشتر رانده میشوند. جمهوری اسلامی و مافیای قدرت و ثروت بعنوان عاملین این همه مصائب، آماجهای اصلی مبارزات کارگران و زحمتکشان هستند. طی سالهای متمادی هر چند بخشی از مراکز آموزشی از جمله منابع تغذیه سیاستهای ارتجاعی رژیم و جنتحبدب های درون آن محسوب میشدند اما مبارزات دانشجویان، دانش آموزان و معلمین انقلابی پرده از روی سیاست های فریبکارانه رژیم برداشته و واقعیت ها حاکی از آن است که ترفندهای آنها دیگر قادر به فریب جوانان و نوجوانان کشور نیست و اکنون چهره واقعی این رژیم جنایتکار بر اکثریت عظیم دانشجویان و دانش آموزان برملا تر گشته است.

امسال باید بر آهنگ مقابله و مبارزه با سیاست های جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی شتاب بخشید. جنبش معلمان، دانش آموزان و دانشجویان کشور در مبارزات کارگران و زحمتکشان در مقاطع حساسی از تاریخ، نقش ارزنده ای ایفا کرده و تجربیات گرانقدری از خود برجای گذاشته است. دانشجویان، معلمان و دانش آموزان مبارز و انقلابی میباید با آموزش از این تجربیات راه گسترش این جنبش و تبدیل آن به یک نیروی متحد جنبش کارگران و سایر زحمتکشان را هموار سازند. تشکیل کمیته ها و هسته ها و در نهایت

فراخوان اعتراض به اسید پاشی به زنان در اصفهان

طی چند روز اخیر اسید پاشی به صورت زنان و دختران اصفهانی موجی از نگرانی در بین خانواده ها، بویژه زنان و دختران رادامن زده و خشم و نفرب مردم اصفهان را نسبت به عاملین و عامرین این عمل جنایتکارانه برانگیخته است. تاکنون بیش از هشت زن قربانی این جنایت شده اند. اخبار امروز صبح 28 مهرحاکمی از آن است که طی امروز نیز سه زن دیگر مورد هدف قرار گرفته و توسط موتورسواران به صورت شان اسید ریخته شده است. در اعتراض به این جنایات تکانه‌دهنده، عده ای از خانواده های قربانیان و مردم اصفهان تجمع اعتراضی را در مقابل دادگستری این شهر برای روز چهارشنبه سی ام مهرماه 1393 فراخوان داده اند.

چند هفته ای است که ارگانه‌های تصمیم گیرنده و اصلی جمهوری اسلامی سیاست های زن ستیزانه خود را تشدید کرده اند و در پی تصمیمات اخیر مبنی بر تشدید فشار بر زنان و ایجاد رعب و هراس در میان آنها، بار دیگر امامان جمعه و ارگانه‌های سرکوبگر رژیم از طریق تریبونهای نماز جمعه و یا با صدور اعلامیه و شبنامه زنان را تهدید میکنند «در صورتی که شئون اسلامی را رعایت نکنند، مجازات سخت تری در انتظارشان است»

از جمله یوسف طباطبایی نژاد، امام جمعه اصفهان گفته «مسئله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و برای مقابله با بدحجابی باید چوب تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد»

باتوجه به اخطارهای مکرر ارگانه‌های سرکوبگر رژیم و امامان جمعه نسبت به بدحجابی و تهدید زنان به برخوردهای شدیدتر، این باور در میان مردم شدت گرفته است که آمرین اصلی این جنایات خودرهبان و کارچرخانان جمهوری اسلامی هستند. اینکه امروز در مقابل اعتراضات مردم به انکار نقش خود در این جنایت ها میپردازند، تغییری در این واقعیت و این باور درست مردم ایجاد نخواهد کرد که آری عامل اصلی این جنایت ها همانا رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی است.

آنها که در مقابل مقاومت زنان و جامعه، در اجرای سیاست های زن ستیزانه شان خود را ناکام احساس میکنند با دست یازیدن به چنین جنایتهایی برآند تا زنان و خانواده هارا مرعوب و ترس زده کرده و به اهداف پلید شان دست یابند.

امادست یازیدن به چنین اعمال جنایتکارانه ای، زنان و مردان مبارزرا از مبارزه برای برابری کامل حقوق زنان و پایان دادن به تبعیضات جنسی بازخواهد داشت و این بار نیز جز شکست برای شب برستان ثمر دیگری بیار نخواهد آمد.

توده های مردم بویژه زنان باید در مقابل این جنایت ها ساکت ننشسته و با درس گیری از تجربیات زنان در کشور های مختلف جهان، نظیر زنان هندوستان که با تجمعات صد ها هزار نفری خود به مقابله با تعرض به حقوق شان برخاستند و یا با ایجاد گاردهای دفاع از خود متجاوزین به حقوق و کرامت زنان که حقوق کرامت همه انسانها است، را سر جای خود نشانند، با عوامل ارتجاع و کهنه پرستی به مقابله برخیزند. بر زنان و مردان آزادیخواه و سوسیالیست است که با آگاه گری در میان توده های مردم و بویژه زنان، به تشکیل یابی، اتحاد و مبارزه آنها با عوامل ارتجاع، یاری رسانند.

ما ضمن پشتیبانی از فراخوان خانواده ها و توده های آزادی خواه شهر اصفهان، بنوبه خود زنان، مردان و جوانان را به شرکت در تجمع اعتراضی روز چهارشنبه سی ام مهرماه، فرامیخوانیم.

نابود باد تبعیض جنسیتی
پیروزی باد مبارزات زنان

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بیست هشتم مهر 1393

سازمانهای انقلابی دانشجویی، دانش آموزی و معلمان بصورت علنی، مخفی و نیمه علنی و تبدیل آنها به کانون اشاعه آگاهی و تشکل در میان جوانان دانش آموز و دانشجو، از وظایف تاخیرناپذیر کنونی محسوب میگردد. تردیدی نیست که با وجود اختناق حاکم بر مراکز آموزشی، سازماندهی و گسترش تشکلات انقلابی و حفظ و ادامه کاری آنها اسان خواهد بود، اما هسته های فشرده ای از دانشجویان و دانش آموزان انقلابی قادرند با تلفیق فعالیت علنی و مخفی با حداقل نیرو بیشترین تحرک لازم را سازمان داده و با اقدامات تبلیغی، ترویجی، افشاگرانه و عملی خود اذهان نیروهای محیط آموزشی خود را جهت داده و آنها را به مقابله با ارتجاع حاکم بر مدارس و دانشگاه ها بکشانند. افشای اهداف رژیم و سردمداران آنها در محیط های آموزشی، افشای ماهیت ارتجاعی مفاد آموزشی، مقابله با تبعیض و جداسازی جنسیتی، دفاع از مطالبات کارگران، معلمین، استادان، مطالبات خلق های تحت ستم و استثمار و ده ها زمینه فعالیت دیگر، میتواند جزئی از برنامه فعالیت این تشکلهای محسوب شده و دامنه نفوذ آنها را در میان دانشجویان، دانش آموزان و معلمین سراسر کشور گسترش دهند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، در سال تحصیلی جدید برای دانش آموزان، دانشجویان، آموزگاران و استادان زحمتکش در تحصیل، اشاعه آگاهی و مبارزه برای جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب، آرزوی پیروزی می نماید.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

اول مهرماه 1393

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، واژگونی جمهوری اسلامی بمثابه برجسته ترین تکیه گاه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سر سخت ترین دشمن آزادی طبقه کارگر و جایگزینی آن توسط جمهوری فدراتیو شورایی را وظیفه عاجل خود می داند.

گرامی باد یاد و خاطره جانبختگان شهریور 17

بیست و شش سال از قتل عام زندانیان سیاسی سپری شد .

بیست و شش سال قبل دریک توطئه از پیش طراحی شده به فرمان خمینی هزاران زندانی سیاسی که اغلب آنها دوران محکومیت خود را سپری کرده و درانتظار آزادی خویش بودند ، به قتل رسیدند .

جمهوری اسلامی که طی سالها جنگ و خونریزی و شکست درجبهه های جنگ ارتجاعی ، جام زهر را سرکشیده بود ، درهراس از گسترش نارضایتی های عمومی به این جنایت هولناک دست یازید تا با محروم کردن جنبش های انقلابی از رهبران و کادرهای باتجربه خود و ایجاد رعب و هراس در جامعه T ادامه حیات خود را تضمین کند . اینکه جمهوری اسلامی از همان اول انقلاب با قتل و کشتار و سرکوب ، انقلاب توده های زحمتکش مردم را به عقب راند و قدرت سیاسی را قبضه کرد و هزاران نفر از مخالفین خود را در دهه 60 و تاکنون در بی دادگاه های چند دقیقه ای خود محکوم و به قتل رسانده است ، رازی نیست که بر کسی پوشیده باشد . اما فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور سال 67 آن چنان هولناک و بی سابقه بود که به حق آنرا یکی از فجایع فراموش نشدنی در تاریخ ایران و جهان نامیده اند . رژیم در مدت کمتر از دو ماه با تشکیل گروه مرگ که بیشرمانه به آن نام «دادگاه» گذاشته بودند ، هزاران زن و مرد مبارز ، شریف و انسان دوست را به کام مرگ فرستاد . آنها در این اقدام انسان ستیزانه خودحتی قوانین و مقررات ارتجاعی خویش را نیز زیر پا گذاشتند . زندانیانی که قبلا در بیدادگاه ها محکوم شده

بودند و اغلب دوران محکومیت شان به پایان رسیده بود و یا روبه پایان بود ، را نیز بدون هیچ دلیل و مدرکی به جوخه های اعدام سپردند . اکنون که بیست و شش سال از این فاجعه هولناک سپری میشود ، رژیم جمهوری اسلامی و مدعیان اصلاح آن همچنان مهر سکوت بر لب زده اند و در برابر خواست خانواده های این جانبختگان و احزاب و سازمانها و نهادهائی که اعضای خود را در این فاجعه از دست داده اند ، حاضر به پاسخ گوئی نیستند و حتی از اعلام اسامی و محل دفن آنها خودداری میکنند . اما آنها هرگز نمیتوانند با سکوت خود از زیر بار جنایتی که مرتکب شده اند T شانه خالی کرده و از سنگینی بار مسئولیت اعمال جنایتکارانه خود بکاهند . واقعیت این است که تداوم کشتار و شکنجه و اعدام و تکرار فاجعه کشتار زندانیان سیاسی در ابعاد قتل های زنجیره ای و کهریزک ها و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری ، دانشجویان ، روزنامه نگاران و فعالین سیاسی ، فرهنگی T امتداد کشتار دهه 60 و فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی سال 67 است . از اینرو اکنون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه بر علیه اختناق و سرکوب و شکنجه و اعدام و مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و کسب آزادی ، از خواست روشن شدن ابعاد فاجعه کشتار زندانیان سیاسی در شهریور 67 و مجازات آمرین و عاملین آن که در نهایت مسئول اصلی آن نظام ضد بشری جمهوری اسلامی است که همچنان به روش های سرکوبگرانه خود ادامه میدهد ، جدائی

ناپذیر شده است . امروز وظیفه همه نیروهای سیاسی ، احزاب ، سازمانها و نهاد های انقلابی و مترقی و انسانهای آزادیخواه و زندانیانی که از این فاجعه جان سالم بدر برده اند ، است که در همگامی با خانواده های زندانیان سیاسی جانبخته ، با اقدامات مستقل خود دادخواهی خانواده های جانبخته را به یک جنبش همگانی علیه رژیم حاکم تبدیل کنند . در این فاجعه خونین ما نیز رفقای زیادی از رهبران و اعضا و کادرها و هواداران سازمان را از دست دادیم ، آنها هرگز در برابر دار و درفش و شکنجه و اعدام سرفروود نیلوردند و تا آخرین لحظات حیات خود به آرمانهای انسانی خویش وفادار ماندند . ما در برابر آنها و همه جانبختگان و خانواده های داغدیده و مقاومشان سرتعظیم فرود میاوریم و پیمان میبندیم که راه و آرمان آنها را پی گیرانه دنبال کنیم . در سالگرد این این فاجعه خونین باردیگر یاد و خاطره همه جانبختگان قهرمان را گرامی میداریم . یاد آنها همیشه زنده و جاوید خواهد ماند .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست شهریور
1393

با کمک های مالی
خود سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست
را یاری رسانید .

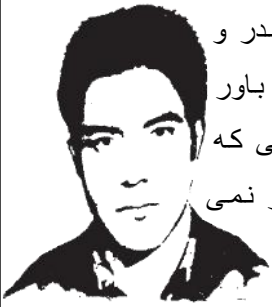
فشار اقتصادی و تشدید سرکوب ...

دستمزد ها و یا ثابت نگهداشتن آنها، عدم پرداخت بموقع حقوق و دستمزدها، گسترش قراردادهای موقت سفید امضا و زدن سرو ته باقیمانده دست آورد های جنبش کارگری، نظیر تامینات اجتماعی، حق مسکن، اولاد، سنوات و نظیر اینها و تغییر آن بندهائی از قانون کار که در سالهای اولیه بعد از قیام تدوین شده و اکنون از نقطه نظر سرمایه داران موانعی برای چپاول بیشتر دسترنج کارگران ایجاد میکند اریکسو، و از طرف دیگر با تشدید سرکوب اعتراضات کارگری، بارکسری بودجه و بخور به پاش مافیای قدرت و ثروت را بردوش کارگران و زحمتکشان سرشکن کنند.

متأسفانه امروزه تکرار این سناریو برای طبقه کارگری که از آگاهی طبقاتی لازم و ضروری برخوردار نیست و فاقد تشکلهای توده ای صنفی مستقل و احزاب انقلابی و کمونیستی است، در کشور ما به یک امر عادی تبدیل شده است. تعداد بیشمار اعتصابات و اعتراضات کارگری مبین این واقعیت است که کارگران در مقابل تعرضات دولت و سرمایه داران به مقاومت و مبارزه خود ادامه داده و خواهند داد اما متأسفانه همانطور که شاهد هستیم این مبارزات اغلب پراکنده و فاقد انسجام برنامه ای، مطالباتی و سراسری بوده و از رهبری انقلابی که لازمه این دوران از مبارزات طبقه کارگر علیه سرمایه و قدرت سیاسی سرکوبگر آن است، محروم میباشد. تمام تلاش تئوریک و کوشش عملی کمونیست ها و کارگران انقلابی میباید معطوف به چاره جوئی و رفع این کمبود ها و موانع پیش پای جنبش کارگری باشد.

یدی شیشوانی 29 مهر 1393

یاد فدائی کبیر رفیق اسکندر (سیامک اسدیان) گرامی باد !



مهر ماه سال 1360 هنگامیکه خبر نبرد حماسی رفقای فدائی اسکندر و همزمانش تندر اسا در اینسو و آنسو پیچید هیچکس نمی توانست باور کند، اسکندر به شهادت رسیده است! خبر سنگین بود. همه کسانی که او را می شناختند و با او در یک سنگر مبارزه کرده بودند هرگز نمی توانستند گمان برند که دیگر رفیق ارزنده، فداکار و خستگی ناپذیر در صفوف فشرده سازمان خواهد بود.

اسکندر در آغاز جوانی با نخستین شکوفه های بیداری آگاهی طبقاتی پای در میدان مبارزه گذارد و دوش بدوش دگتر اعظمی لرستانی برای رهائی کارگران و زحمتکشان از ستم و استثمار سرمایه داری سلاح بر دوش گرفت. پس از پیوستن به سازمان با قابلیت های بی نظیر خود توانست در جایگاه ارزنده ای قرار بگیرد. تفکر پویا و خلاق، وفاداری عمیق به ارمان پرولتاریا، یافتن ابزارهای مناسب برای حرکت و عشق به سازمان داشتن اراده و عزم جزم و سرانجام درهم آمیختن آگاهی طبقاتی با شور و عمل دقیقاً انعکاس بیرونی این ویژگیها بود که شخصیت کمونیستی رفیق اسکندر را نمایان می ساخت و او را در شمار زیده ترین عناصر سازمان و پیش قراولان نبرد طبقاتی درونی جامعه قرار می داد. استواری و ثبات رفیق اسکندر در مواجهه با معضلات تشکیلات بعنوان یک خصوصیات بارز و یک الگوی درخشان او را از سرسختی زایدالوصفی برخوردار نموده بود. تلاش پر شور، مداوم و بی وقفه رفیق برای پرورش و ارتقاء رفقای تحت مسئولیتش بیانگر احساس مسئولیت شدید رفیق در قبال جنبش و سازمان بود. رفیق با قابلیت های رزمی بی نظیر خود همواره نقش مهم و مسئولیتی سنگین را در سازمان بعهده داشت. طی ده سال نبرد خونین و آتشین با شرکت در دهها عملیات نظامی و فرماندهی موفقیت آمیز آنها به کادری برجسته در سازمان تبدیل شد. حمله مسلحانه به قرارگاه شمار 2 پلیس تهران پیش از قیام حمله به کلانتری تبریز، انهدام پایگاه لاهیجان حمله کسلحانه به پایگاه رودسر به حمایت از دهقانان منطقه، اعدام انقلابی سرهنگ مزدور زمانی پور در مشهد از جمله عملیاتی است که رفیق طی حکومت ننگین پهلوی فرماندهی آنها را بعهده داشت پس از قیام نیز در حمله به ستون نظامی دشمن در دارسواوین شرکت فعال و موثری داشت.

پس از انشعاب اکثریتیهای خائن بعنوان مسئول نظامی تشکیلات در کردستان بیش از شش ماه دوشادوش خلق کرد علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جنگید. رفیق اسکندر با سازماندهی تشکیلات نظامی منطقه، با شرکت در عملیات مختلف بر علیه مزدوران رژیم و با سازماندهی جوله های سیاسی - نظامی نقش بسزایی در زدودن نقش مخرب اکثریتی های خائن از ذهن زحمتکشان کرد، ایفا کرد.

سرانجام در آخرین ماموریت سازمانی خود طی یک درگیری نابرابر با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در راه تحقق اهداف پرولتاریا جان باخت. در سی و سومین ساگرد دریغ انگیز رفیق اسکندر بار دیگر بر آرمانهای والای رفیق پای فشرده و خصوصیات کمونیستی بارز او را الهام بخش مبارزات خود در تداوم راه رهایی کارگران و زحمتکشان که همانا راه سرخ فدائی است بسازیم. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

نشریه کار کمونیستی زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر میشود .

Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعیه ها و
نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر
تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

بخشی از مفاد قانون اساسی جمهوری فدراتیو شورایی...

حق کار

* در سوسیالیسم کلیه نیروهای مولد ،
اجتماعی می شوند . کار نیز از این امر
مستثنی نیست . و در جمهوری فدراتیو
شورایی ایران همه شهروندان از حق کار
برخوردارند و کار یک وظیفه شهروندی
محسوب می گردد . بیکاری در آن مفهومی
ندارد و شش ساعت کار در روز ، دو روز
متوالی تعطیل در هفته و هفت هفته
مرخصی سالانه جزو اولیه ترین مفاد قانون
کار است که شامل همه شهروندان قادر به
کار به استثنای کودکان زیر 17 سال در
شهر و روستاست مگر کار در حین
تحصیل جنبه آموزشی داشته باشد .
* در جمهوری فدراتیو شورایی ، تأمین
بهداشت و ایمنی محیط کار ، ایجاد سالن
های سخنرانی ، تئاتر ، کتابخانه ، محل
استراحت ، ورزش ، مطالعه و حمام و
غیره تضمین میشود . قوانین کار و جزئیات
آن توسط شوراهای خود کارگران و
زحمتکشان متناسب با محیط کار و شرایط
کار تدوین می گردد .
* مهاجرین و سایر خارجیان ساکن
جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، همچون
دیگر شهروندان از حقوق کامل شهروندی
بر خوردارند و حق اشتغال به کار بدون
استخدام کار دیگران ، برای آنها تضمین
می شود .

* شوراهای محلی بدون هیچگونه تشریفاتی
به اینگونه خارجیان حقوق شهروندی و
برابر اعطا می کنند .
* در جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، به
کلیه پناهجویانی که بخاطر جرایم سیاسی ،
مذهبی ، عقیدتی ، مورد آزار و اذیت قرار
گرفته و در خواست پناهندگی می کنند ،
پناهندگی اعطا کرده و حقوق کامل
شهروندی آنها را برسمیت می شناسد .

تحصیل

* بمنظور تأمین و تضمین ارتقای سطح
دانش کارگران و زحمتکشان ، جوانان ،
مالکیت خصوصی و روابط و مناسبات
ناشی از آن از سیستم آموزش و پرورش
برچیده می شوند و با دگرگونی بنیادی در
نظام آموزشی کشور بر مبنای آخرین
دستاوردهای علمی و فنی در زمینه آموزش
و پرورش ، امکانات تحصیلات رایگان و
همه جانبه برای کلیه شهروندان تضمین می
شود .

بهداشت و درمان

* با لغو مالکیت خصوصی بر بهداشت و
درمان ، امتیازات طبقاتی در استفاده از
امکانات بهداشتی کشور از میان خواهد

رفت و بهداشت و درمان برای همه رایگان
خواهد بود . درمانگاهها ، بیمارستانها ،
مراکز بهداشتی . درمانی و آموزشی ،
مکانهای ورزشی و تفریحی متناسب با نیاز
های مردم گسترش خواهند یافت .
* ایجاد اماکن و موسسات نگهداری از
سالمدان ، معلولین و کسانیکه به دلایل
نقص عضو و از دست دادن سلامتی قادر
به کار نیستند ، ایجاد مراکز سرگرمی و
تفریح برای سالمدان رایگان خواهد بود .
مسکن

داشتن مسکن مناسب حق هر انسانی است .
جمهوری شورایی ایجاد مسکن مناسب
مدرن و مجهز برای کلیه شهروندان را
هدف فوری خود قرار می دهد و با قطع
سلطه سرمایه داران ، محتکرین و دلالان
از امور مسکن و کار و زندگی مردم ،
امکان دسترسی همه شهروندان به مسکن
مناسب را تضمین می کند .

امور اقتصادی و مالکیت

جمهوری شورایی ، آغاز جامعه به
ساختمان سوسیالیسم است ، در سوسیالیسم
مالکیت خصوصی بورژوائی بر ابزار
تولید و مبادله اجتماعی می شوند . اقتصاد
از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل
سازمان می یابد .

با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله
به مالکیت اجتماعی در میاید . اما این امر
یک شبه صورت نمی گیرد ، دوران
ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و
پیشروپها و عقب نشینی هاست . در
جمهوری شورایی با توجه به اوضاع
اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر
گرفتن شرایط و مناسبات حاکم ، از سلب
مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و
در اختیار صاحبان واقعی ، یعنی
تولیدکنندگان متشکل در شوراها و نهادهای
مردمی قرار می گیرد .

* در جمهوری فدراتیو شورایی که بر
ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می
شود کلیه موسسات مذهبی ، دولتی ،
شرکتها . صنایع و کارخانجات ، کارتل ها
و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله
در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به
صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد
متحد و متشکل موسسات باز می گردد و
سلطه سرمایه داران و دلالان و محتکرین
بر می افتد .

* در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از
طریق بهره ، ربا و نظایر اینها ممنوع و
جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر
به کار که کار نکند نمیخورد .